



## تدوین راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی

محمد رحیمیان<sup>۱</sup>، مجید رضانی آرانی<sup>۲</sup>، محسن محمدی خانقاهی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴

### چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر تدوین راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی است. بازدارندگی رسانه‌ای نقش راهبردی در تأمین امنیت سایبری جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. به سبب نوپدید بودن شبکه‌های اجتماعی در ایران، برای جمهوری اسلامی ایران، نحوه مواجهه و داشتن برنامه به‌منظور حکمرانی مطلوب بسیار حائز اهمیت است. روش بکار رفته در این پژوهش، روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی است. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی چیست؟ در این راستا یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی بایستی مواردی همچون اقدامات دفاعی، قابلیت‌های تهاجمی، وضعیت‌های بازدارندگی، تلاش‌های تاب‌آوری، ابتکارات همکاری بین‌المللی، تمرین‌ها و شبیه‌سازی، برنامه ظرفیت ساز و طرح‌های همکاری بین‌المللی باشد.

**واژگان اصلی:** بازدارندگی، شبکه‌های اجتماعی، بازدارندگی رسانه‌ای، رسانه، راهبرد، جمهوری اسلامی.

<sup>۱</sup> دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m.rahimian@shahed.ac.ir

<sup>۲</sup> دکتری مدیریت دولتی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

<sup>۳</sup> دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

## مقدمه

دانش، آشکارترین در دنیای امروز، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر دگرگونی‌های گسترده بدل گشته‌اند و رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی توانسته‌اند نفوذ خود را در ابعاد مختلف زندگی انسان عمق بخشیده و این عرصه‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. برخی اندیشمندان با توجه به جایگاه ویژه رسانه‌ها در عصر کنونی، نقش بی‌بدیلی را برای آن‌ها در حوزه تولید و بسط قدرت و امنیت در نظر گرفته‌اند؛ از نگاه این متفکرین، رسانه‌های جمعی و به‌ویژه نمونه‌های نوین آن یعنی شبکه‌های اجتماعی، سهم مهمی در پیشبرد سیاست‌ها و منافع ملی دارند. از این روی به باور کارشناسان، امروزه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در رقابت‌ها و بعضاً نبردهای مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و... به‌مثابه سلاح بکار گرفته شده و به‌عنوان مکمل بخش‌های مطرح شده عمل می‌کنند. یکی از بخش‌های مهم کارزار فشار حداکثری غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا علیه ایران آن‌گونه که در سال‌های اخیر مرسوم بوده، استفاده جهت‌دار از رسانه‌های گوناگون به‌عنوان عاملی در پیشبرد اهداف تعیین شده و تحمیل خواست و نظر آن‌ها در فضای فکری و روانی ایران بوده است. بر این اساس گروهی از تحلیل‌گران اثرات و پیامدهای این کارزار و تقابل رسانه‌های علیه کشور را حتی بیش از فشارهای اقتصادی و سیاسی در نظر می‌گیرند و بر این باورند که جامعه ایرانی به میزانی بالایی در برابر این تجاوز گسترده‌ی رسانه‌ای، بی‌دفاع بوده و فاقد مکانیسم‌های بازدارنده است. بدین معنی که به دلیل ضعف مفرط رسانه‌ای، در بسیاری از موارد تجاوز دشمن به قلمرو روانی جامعه ایرانی، یا بدون پاسخ می‌ماند و یا دارای هزینه‌ی اندکی برای وی می‌باشد و لذا، سطح و گستره تجاوز و تهاجم رسانه‌ای دشمن، رو به فزونی است. این امر نشان‌دهنده آن است که دول غربی توجه ویژه‌ای به این حوزه داشته و میزان آسیب‌پذیری کشور نیز در این زمینه بیش از سایر حوزه‌هاست.

راهبرد بازدارندگی یک نوع محاسبه‌گری مبتنی بر روابط میان بازیگران متعدد است. این راهبرد، نوع خاصی از روابط است که در آن یک‌طرف سعی دارد با ایجاد و توسعه توانمندی‌های لازم در خود، طرف مقابل را با افزایش هزینه‌های اقدام متقابل از تعرض، تجاوز و اقدام خصمانه بازدارد و تلاش‌های او را خشتی و یا کم اثر کند. حداقل هدف راهبرد بازدارندگی، حفظ وضع موجود است تا مهاجم را به این نتیجه برساند که هزینه‌های حمله بیش از منافع آن است (سام‌بند، ۱۳۹۹: ۵۳).

اگرچه هدف راهبرد بازدارندگی در حوزه‌های رسانه‌ای مانند حوزه نظامی نیست اما این حوزه ظرفیت بسیاری جهت مراقبت و محافظت از منافع و امنیت ملی کشور دارد. در زمینه راهبرد

بازدارندگی رسانه‌ای، رسانه‌ها هم می‌توانند با استفاده حرفه‌ای و مسئولانه از ظرفیت‌های موجود و توانمندسازی جامعه هدف و ساختار حاکمیت و با ارتقای سواد رسانه‌ای سطوح مختلف و ایجاد ظرفیت‌ها جدید، قدرت بازدارندگی خود را برای کاربران و بازیگران رسانه‌ای دیگر کشورها ارتقا دهند. به‌منظور رسیدن به این مهم چاره‌ای جز بهره‌گیری از راهبرد بازدارندگی و اتخاذ راهبردهای فعال نیست.

از این جهت مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که ناظر به کاستی‌های موجود در این حوزه و توجه به نقاط ضعف، قوت، تهدید، و فرصت‌های پیش‌رو، راهبردهای اجرایی و دقیقی برای آن پی‌ریزی می‌شود و ضرورت انجام تحقیق از این جهت قابل توجه است. کسب توانمندی در بخش‌های مختلف رسانه‌ای جهت پیشبرد منافع و دستیابی به بازدارندگی در برابر تهاجم عظیم مطرح‌شده در سطور فوق، ضرورتی اساسی است و بدون دستیابی به این مهم، نمی‌توان در گام دوم انقلاب اسلامی، راهبرد مقاومت مؤثری را پی‌ریزی کرد. بر این اساس، تلاش می‌شود تا در پژوهش حاضر راهبردها و راهکارهای مناسب جهت کسب بازدارندگی رسانه‌ای ج.ا.ا. تدوین شود. در نتیجه پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که راهبردهای دستیابی جمهوری اسلامی ایران به بازدارندگی رسانه‌ای کدام است؟

### الف) پیشینه تحقیق

فرهنگ، سجاد (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان بازدارندگی سایبری و اینترنتی، راهبردی نوین در کسب اقتدار دفاعی و سیاسی کشور اشاره می‌کند بازدارندگی سایبری یکی از راهبردهای مقابله با تهدیدات سایبری و نیز تقویت اقتدار دفاعی کشورها در عرصه جنگ‌های نوپدید محسوب حساب می‌آید. بازدارندگی سایبری در برابر تهدیدات سایبری نیاز به شناخت دقیق مبانی و مفاهیم آن و نیز نحوه و جایگاه آن در شکل‌گیری اقتدار دفاعی است. این مقاله به دنبال تبیین نقش بازدارندگی سایبری در اقتدار دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران است. جامعه آماری این مقاله شامل دیدگاه‌ها و نظرات فرماندهی معظم کل قوا در خصوص دفاع سایبری و نیز بازدارندگی سایبری در اسناد و مدارک بالادستی بوده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بازدارندگی سایبری در چهار بعد ثبات نظر، ارتباط، اعتبار و قابلیت بر اقتدار دفاعی کشور تأثیرگذار است.

رمضان زاده، مجتبی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان ارائه مدل مفهومی ارزیابی قدرت

سایبری نیروهای مسلح با تأکید بر بعد بازدارندگی سایبری به ابعاد و مؤلفه‌های قدرت سایبری نیروهای مسلح با تمرکز بر بعد بازدارندگی سایبری می‌پردازند. جامعه آماری، متخصصان حوزه سایبر بوده که با رعایت ملاحظات امنیتی متشکل از ۲۰۰ نفر و حجم نمونه شامل ۱۳۲ نفر است. نوع پژوهش، کاربردی هست. روش پژوهش، در وهله اول به علت شناخت ابعاد و مؤلفه‌های مدل مفهومی، اکتشافی است و در وهله دوم به علت انجام تحلیل‌های آماری، تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها، میدانی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. پژوهشگران این پژوهش از روش تحلیل آماری، تی-تک نمونه‌ای استفاده کرده‌اند. نتیجه آنکه مدل مفهومی دارای مؤلفه‌های پنج‌گانه: استحکام سازی پیشیمان کنندگی دشمن، پاسخ به تهاجم، استمرار عملیات و بازیابی است. به‌علاوه مؤلفه استمرار عملیات، از اولویت بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها برخوردار است. استفاده از نتیجه این تحقیق به‌وسیله معاونت فاوا می‌تواند برای شناسایی و اولویت‌بندی سرمایه‌های سایبری نیروهای مسلح برای ایجاد زمینه بازدارندگی سایبری در مقابل تهدیدات، موثر و مفید باشد.

سام بند، میثم و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان قدرت بازدارندگی رسانه‌های تلویزیون و کاربست دفاعی آن؛ با تأکید بر توانمندسازی فردی معتقدند اهمیت و ضرورت رسانه تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران تا آنجا مهم است که امام خمینی (ره)، صداوسیما را یک دستگاه عظیم آموزشی و تربیتی و به‌منزله یک «دانشگاه عمومی» می‌دانستند که در سطح کشور گسترده است. مقام معظم رهبری نیز در توضیح دانشگاه بودن آن، صداوسیما را مدرسه‌ای عمومی برای همه اقشار در سراسر کشور در نظر دارند که در آن مفاهیم، پایه‌ها پیام‌ها و درس‌های اسلام واقعی، ناب و انقلابی تدریس می‌شود. هدف این مقاله در راستای راهبرد بازدارندگی رسانه‌ای، طراحی مدلی جهت نهادینه‌سازی برنامه‌های توانمندسازی افراد از مجرای تلویزیون است. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل انسانی، محیطی، تلویزیون، برنامه‌ریزی و ویژگی‌های مخاطب می‌توانند متغیر توانمندسازی فردی را پیش‌بینی کنند. آزمون مدل نیز حاکی از آن است که مدل پیشنهادی ۷/۲۶ درصد از تغییرات مربوط به توانمندسازی فردی را تبیین می‌کند. بر اساس نتایج نهایی مقاله، تلویزیون جمهوری اسلامی ایران بر توانمندسازی فردی اثر مستقیم دارد.

### ب) مبانی نظری و روش

بازدارندگی مفهومی است که اغلب در حوزه‌های استراتژی نظامی، جرم‌شناسی و روابط بین‌الملل به کار می‌رود. این مفهوم به استفاده از تهدید یا نشان دادن توانایی برای منصرف کردن دشمن از انجام یک

اقدام نامطلوب اشاره دارد. در چارچوب استراتژی نظامی، بازدارندگی با هدف جلوگیری از شروع تجاوز نظامی توسط دشمن از طریق متقاعد کردن آن‌ها به اینکه هزینه‌ها یا پیامدهای چنین اقدامی بیشتر از منافع احتمالی است، جلوگیری می‌کند. این اغلب با حفظ یک قابلیت معتبر برای انتقام‌جویی مؤثر به دست می‌آید، در نتیجه چشم‌انداز تجاوز را غیر جذاب می‌کند (Jervis, 1978, p. 167).

### ۱- نظریه‌های بازدارندگی

نظریه‌های بازدارندگی، چارچوب‌هایی هستند که برای درک و تجزیه و تحلیل اینکه چگونه دولت‌ها یا افراد می‌توانند از طریق تهدید به مجازات یا تلافی، از انجام اقدامات معین دشمنان جلوگیری کنند، استفاده می‌شوند. این نظریه‌ها معمولاً در حوزه‌های رسانه‌ای، روابط بین‌الملل و جرم‌شناسی کاربرد دارند. دو نوع اصلی تئوری بازدارندگی وجود دارد: بازدارندگی کلاسیک و بازدارندگی منطقی.

#### ۱-۱- نظریه بازدارندگی کلاسیک

نظریه بازدارندگی کلاسیک، مفهومی در قلمرو روابط بین‌الملل و جرم‌شناسی است که استفاده از مجازات یا تهدید به مجازات را وسیله‌ای برای بازدارندگی افراد یا دولت‌ها از انجام رفتارهای نامطلوب می‌داند. (Bentham, 1789, p. 58) این نظریه ریشه در این ایده دارد که اگر افراد یا دولت‌ها معتقد باشند که هزینه‌ها یا پیامدهای مرتبط با آن اقدامات بیشتر از منافع بالقوه است، از برخی اقدامات خودداری می‌کنند (Schelling, 1960, p. 1).

#### ۱-۱-۱- مؤلف‌ها و اصول نظریه بازدارندگی کلاسیک به‌قرار ذیل هستند:

۱-۱-۱-۱- بازیگران منطقی: نظریه بازدارندگی کلاسیک فرض می‌کند که افراد یا دولت‌ها بازیگرانی منطقی هستند که قبل از تصمیم‌گیری، هزینه‌ها و منافع احتمالی اقدامات خود را می‌سنجید (Schelling, 1960, p. 12). در این دیدگاه، افراد یا دولت‌ها به نفع شخصی خود عمل می‌کنند و به دنبال به حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن هزینه‌های خود هستند (Fearon, 1994, p. 375).

۱-۱-۱-۲- تجزیه و تحلیل هزینه و فایده: بازدارندگی بر اصل بازدارندگی از طریق مجازات متکی است، به این معنی که اگر هزینه‌ها یا مجازات درک شده مرتبط با آن اقدامات به اندازه کافی زیاد باشد که بر منافع بالقوه برتری داشته باشد (Schelling, 1960, p. 62). مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم یا انجام اقدامات تهاجمی بازدارند. تصمیم برای خودداری از چنین اقداماتی بر اساس محاسبه منطقی ریسک‌ها و پاداش‌ها است (Jervis, 1979, p. 42).

۱-۱-۳- تنبیه: عنصر اصلی بازدارندگی، استفاده از مجازات یا تهدید به مجازات برای منصرف کردن افراد یا دولت‌ها از انجام رفتار نامطلوب است. (Brodie, 1959, p. 42) مجازات می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از جمله تحریم‌های اقتصادی، انزوای دیپلماتیک، تلافی نظامی، یا مجازات قانونی (Morgan, 1977, p. 88).

۱-۱-۴- وضوح و اعتبار: برای اینکه بازدارندگی مؤثر باشد، مجازات تهدید شده باید به وضوح به مجرم احتمالی ابلاغ شود و باید معتبر باشد (Schelling, 1960, p. 70). مجرم بالقوه باید باور داشته باشد که در صورت بروز رفتار نامطلوب، مجازات اجرا خواهد شد. ابهام یا عدم اعتبار، اثربخشی بازدارندگی را تضعیف می‌کند (Jervis, 1979, p. 75).

۱-۱-۵- سریع و قطعی: تئوری بازدارندگی پیشنهاد می‌کند که مجازات باید سریع باشند، یعنی بلافاصله پس از وقوع رفتار نامطلوب اعمال می‌شوند و قطعی هستند، به این معنی که در صورت وقوع رفتار، احتمال اعمال مجازات بالاست (Schelling, 1960, p. 70). تنبیه‌های سریع و خاص، خطر درک شده درگیر شدن در رفتار نامطلوب را افزایش می‌دهد و در نتیجه بازدارندگی را افزایش می‌دهد (Jervis, 1979, p. 75).

۱-۱-۶- شدت مجازات: شدت مجازات باید متناسب با شدت جرم باشد. ممکن است برای جلوگیری از جرائم جدی‌تر یا اقدامات پرخاشگرانه مجازات خشن‌تر لازم باشد، در حالی که مجازات خفیف‌تر ممکن است برای جرائم کمتر جدی کافی باشد (Brodie, 1959, p. 38).

۱-۱-۷- بازدارندگی و تشدید: اگر یکی از طرفین به تهدیدات درک شده با تهدیدات متقابل پاسخ دهد، بازدارندگی می‌تواند گاهی به چرخه تشدید منجر شود که منجر به مسابقه تسلیحاتی یا تشدید تنش شود. (Schelling, 1960, p. 80) ارتباطات موثر، دیپلماسی و مدیریت بحران برای جلوگیری از تشدید تنش و حفظ ثبات بسیار مهم هستند (Jervis, 1979, p. 75).



مدل شماره ۱: نظریه بازدارندگی کلاسیک

#### ۱-۲- نظریه بازدارندگی منطقی

نظریه بازدارندگی منطقی مفهومی در روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی است که به دنبال توضیح چگونگی جلوگیری از درگیری از طریق تهدید تلافی‌جویانه توسط دولت‌ها است (Powell, 2006, p. 103). بر اساس این ایده است که بازیگران در سیاست بین‌الملل (معمولاً دولت‌ها)، برای به حداکثر رساندن منافع و امنیت خود، منطقی عمل می‌کنند (Morgan et al. 2013, p. 320).

#### ۱-۲-۱- مؤلفه‌های اصلی نظریه بازدارندگی منطقی عبارت‌اند از:

۱-۲-۱-۱- تجزیه و تحلیل هزینه و فایده: دولت‌ها، هزینه‌ها و مزایای بالقوه اقدامات خود، از جمله تصمیم برای درگیر شدن در تعارض را می‌سنجند. این نظریه فرض می‌کند که دولت‌ها بازیگران منطقی هستند که به دنبال به حداقل رساندن هزینه‌ها و به حداکثر رساندن منافع هستند (Powell, 2006, p. 105).

۱-۲-۱-۲- تهدیدات معتبر: بازدارندگی مؤثر مستلزم آن است که تهدیدات تلافی‌جویانه توسط متجاوز احتمالی قابل اعتماد تلقی شود. این بدان معناست که دولت بازدارنده باید توانایی اجرای تهدید را داشته باشد و در صورت لزوم باید تمایل خود را برای انجام این کار نشان دهد (Jervis, 1978, p. 18).

۱-۲-۱-۳- توانمندی: کشورها باید از قدرت نظامی، اقتصادی یا سایر اشکال کافی برخوردار باشند تا به طور قابل اعتمادی تهدید به تلافی‌جویانه شوند. این می‌تواند شامل داشتن سلاح‌های هسته‌ای، فناوری پیشرفته نظامی یا اتحادهای قوی باشد که وضعیت بازدارندگی آن‌ها را افزایش می‌دهد (Jervis, 1978, p. 22).

۱-۲-۱-۴- ارتباط: ارتباط شفاف و مداوم تهدیدات بازدارنده برای موفقیت بازدارندگی ضروری است. ابهام یا ناسازگاری می‌تواند اعتبار تهدید بازدارنده را تضعیف کند و احتمال تهاجم را افزایش دهد (Jervis, 1978, p. 25).

۱-۲-۱-۵- کنترل تشدید: استراتژی‌های بازدارندگی باید مکانیسم‌هایی برای مدیریت تشدید در صورت شکست بازدارندگی و بروز درگیری داشته باشند. این ممکن است شامل اهداف سیگنالی‌نگ، ایجاد کانال‌های ارتباطی یا اجرای پروتکل‌های مدیریت بحران برای جلوگیری از خارج شدن از کنترل درگیری باشد. (Jervis, 1978, p. 30)

۱-۲-۱-۶- مبانی عقلانیت: در هسته بازدارندگی منطقی این فرض وجود دارد که دولت‌ها برای تعقیب منافع خود عقلانی عمل می‌کنند (Morgan, Bapat, & Kobayashi, 2013, p. 320). عقلانیت در این زمینه به این معناست که دولت‌ها قبل از تصمیم‌گیری، هزینه‌ها و منافع احتمالی اقدامات خود را به دقت در نظر بگیرند (Jervis, 1978, p. 167). این فرآیند تصمیم‌گیری منطقی، مبنایی را برای درک چگونگی ارزیابی خطرات ناشی از رفتار تهاجمی در برابر منفعی که به دنبال دستیابی به آن هستند، تشکیل می‌دهد (Jervis, 1978, p. 167).

۱-۲-۱-۷- کاربرد نیرو: در زمینه بازدارندگی، استفاده از زور به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف استراتژیک تلقی می‌شود. باین‌حال، این نظریه تشخیص می‌دهد که کاربرد نیرو همیشه ساده نیست. درحالی‌که اقدام نظامی ممکن است به اهداف خاصی برسد، می‌تواند هزینه‌هایی مانند تلفات، آسیب‌های اقتصادی و پیامدهای دیپلماتیک را نیز به همراه داشته باشد؛ بنابراین، دولت‌ها باید هنگام تصمیم‌گیری در مورد تجاوز، منافع بالقوه استفاده از زور را در مقابل این هزینه‌ها بسنجند (Powell, 2006, p. 101).

۱-۲-۱-۸- بازدارندگی با تهدید تلافی جویانه: بازدارندگی منطقی بر تهدید تلافی جویانه متکی است تا متجاوزان بالقوه را از انجام اقدامات خصمانه منصرف کند. این تهدید می‌تواند اشکال مختلفی از جمله انتقام‌جویی نظامی، اقتصادی یا دیپلماتیک داشته باشد. نکته کلیدی این است که هزینه‌های بالقوه پرخاشگری بیشتر از منافع درک شده باشد و در نتیجه دشمنان را از درگیر شدن در رفتار خصمانه بازدارد (Jervis, 1978, p. 18).

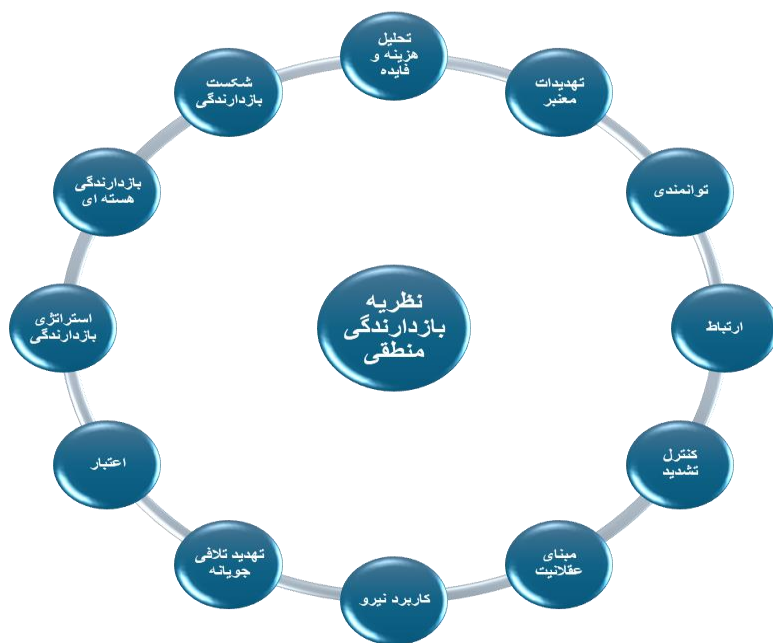
۱-۲-۱-۹- اعتبار: محور اثربخشی بازدارندگی، اعتبار تهدید است. برای اینکه بازدارندگی موثر واقع شود، دشمنان باید باور داشته باشند که دولت بازدارنده توانایی و تمایل دارد تا تهدیدات خود را دنبال کند. این امر نه تنها مستلزم داشتن منابع نظامی یا سایر منابع لازم است، بلکه به نشان دادن تعهد روشن

برای استفاده از آن‌ها در صورت لزوم نیاز دارد. عدم ایجاد اعتبار می‌تواند بازدارندگی را تضعیف کند، زیرا ممکن است دشمنان تهدید را پوچ بدانند و با تهاجم پیش ببرند (Jervis, 1978, p. 18).

۱-۲-۱-۱۰- استراتژی‌های بازدارندگی: دولت‌ها از استراتژی‌های مختلفی برای تقویت بازدارندگی و به حداقل رساندن احتمال درگیری استفاده می‌کنند. این استراتژی‌ها ممکن است شامل توسعه قابلیت‌های دفاعی قوی، تشکیل ائتلاف‌هایی برای تقویت موقعیت بازدارندگی، سرمایه‌گذاری در فن‌آوری پیشرفته نظامی و مشارکت در دیپلماسی برای انتقال شفاف اهداف بازدارنده باشد (Jervis, 1978, p. 22).

۱-۲-۱-۱۱- بازدارندگی هسته‌ای: در زمینه سلاح‌های هسته‌ای، بازدارندگی منطقی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در اختیار داشتن تسلیحات هسته‌ای چشم‌انداز نابودی تضمین‌شده متقابل (MAD) را معرفی می‌کند، جایی که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط یک کشور منجر به انتقام‌گیری فاجعه‌آمیز توسط دولت دیگر می‌شود. این یک اثر بازدارنده قوی ایجاد می‌کند، زیرا هزینه‌های بالقوه مناقشه هسته‌ای بسیار بیشتر از منافع قابل‌تصور است (Powell, 2006, p. 110).

۱-۲-۱-۱۲- شکست و تشدید بازدارندگی: علیرغم تلاش‌ها برای جلوگیری از تهاجم، بازدارندگی می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله برداشت‌های نادرست، محاسبات نادرست یا اختلال در ارتباطات با شکست مواجه شود. در چنین مواردی، کنترل تشدید برای جلوگیری از خارج شدن از کنترل درگیری‌ها، حیاتی می‌شود. این ممکن است شامل ایجاد کانال‌های ارتباطی، اجرای پروتکل‌های مدیریت بحران، یا درگیر شدن در اقدامات تنش‌زدایی برای کاهش تنش و جلوگیری از تشدید بیشتر باشد (Jervis, 1978, p. 35).



مدل شماره ۲: نظریه بازدارندگی منطقی

## ۲- روش پژوهش

روش بکار رفته در این مقاله، روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی است. پژوهش اسنادی، پژوهشی مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد مانند آرشیوها یا آمار رسمی است. وولف در مورد نحوی استفاده از اسناد و مدارک می‌گوید که نباید تصور کرد که واقعیت منعکس در اسناد را برخلاف مصاحبه که نشانگر نگرش ذهنی و شخصی است واقعیتی عینی به حساب آورد. اسناد و مدارک روایت خاصی از واقعیت را که به منظور خاصی برساخته شده است، بازگو می‌کنند (فلیک: ۲۷۹، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر اگر قصد داریم به ماهیت اسناد پی ببریم باید از این‌ها را مصنوعاتی ثابت، ایستا و از پیش تعریف شده بدانیم، دست‌برداریم. در عوض باید آن‌ها را بر اساس میدان‌ها، چهارچوب‌ها و شبکه‌های کنش مدنظر قرار دهیم. در حقیقت، منزلت «سند» قائل شدن برای پدیده‌ها دقیقاً به شیوه‌ای بستگی دارد که طی آن این اشیاء در میدان‌های کنش جای می‌گیرند. اسناد تنها بر اساس این میدان‌ها قابل تعریف‌اند.

اسکات چهار معیار ۱- اصالت ۲- اعتبار ۳- نمایا بودن ۴- معنا را برای داوری کیفیت اسناد معرفی می‌کند. در معیار نخست به این سؤال می‌پردازد که مدرک موردنظر دست‌اول است یا دست‌دوم. در معیار دوم می‌خواهد به این سؤال جواب دهد که آیا سند عاری از خطا و تحریف است. در معیار

سوم به این می‌پردازد آیا سند، نمونه‌ی بارزی از سندهای شبیه به خود است و اگر نه آیا میزان تفاوت آن مشخص شده است و در معیار آخر اسکات این سؤال را مطرح می‌کند که آیا سند روشن و قابل فهم است (فلیک: ۱۳۳۴، ۲۷۹).

### ۳- ضرورت و اهمیت نظریه بازاریابی

بازداریابی نقش مهمی در حفظ ثبات و جلوگیری از درگیری در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. این شامل تهدید به تلافی یا مجازات برای منصرف کردن دشمنان از شروع اقدامات تهاجمی است. یکی از دلایل اصلی ضرورت بازاریابی، پتانسیل آن برای جلوگیری از تشدید درگیری است. هدف بازاریابی با بیشتر کردن هزینه‌های تجاوز بر منافع، منصرف کردن دشمنان از انجام اقدامات خصمانه است. همچنین بازاریابی از تهدیدات احتمالی و حفظ ثبات استراتژیک به حفظ منافع امنیت ملی کمک می‌کند.

علاوه بر این، بازاریابی می‌تواند به عنوان ابزاری برای مدیریت بحران نیز عمل کند، زیرا گزینه‌هایی را در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهد تا به تحریکات یا تجاوزات به‌طور مؤثر پاسخ دهند. علاوه بر این، اهمیت بازاریابی در نقش آن در شکل‌دهی درک قدرت و اعتبار در عرصه بین‌المللی برجسته می‌شود. یک وضعیت بازاریابی معتبر می‌تواند شهرت یک دولت را در قاطعیت و قدرت افزایش دهد و در نتیجه احتمال آزمایش مرزهای آن توسط دشمن را کاهش دهد. به‌طور خلاصه، بازاریابی برای حفظ صلح و ثبات در روابط بین‌الملل، حفظ منافع امنیت ملی، مدیریت مؤثر بحران‌ها و شکل‌دهی تصورات از قدرت و اعتبار ضروری است.

### ۴- تعریف بازاریابی رسانه‌ای

بازداریابی رسانه‌ای به استفاده از استراتژی‌ها، سیاست‌ها و قابلیت‌های مختلف باهدف منصرف کردن دشمنان از درگیر شدن در فعالیتهای مخرب رسانه‌ای از طریق تحمیل هزینه‌ها یا پیامدها بر آنها اشاره دارد. این شامل اعمال اهرم‌های دفاعی، قابلیت‌های تهاجمی و تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری یا کاهش تهدیدات و حملات رسانه‌ای است. به‌عبارت‌دیگر بازاریابی رسانه‌ای شامل اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از حملات و پاسخ‌های واکنشی به حوادث رسانه‌ای است. به گفته اسمیت بازاریابی رسانه‌ای شامل منصرف کردن دشمنان از درگیر شدن در فعالیتهای رسانه‌ای مخرب است. بازاریابی رسانه‌ای مفهومی چندوجهی است که استراتژی‌ها و اقدامات مختلفی را در بر می‌گیرد که هدف آن جلوگیری از فعالیتهای مخرب رسانه‌ای توسط دشمنان بالقوه است. این شامل ترکیبی از مکانیسم‌های دفاعی، قابلیت‌های تهاجمی و تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری یا

کاهش تهدیدات و حملات رسانه‌ای است.

در عمل، بازدارندگی رسانه‌ای ممکن است شامل استقرار اقدامات امنیتی رسانه‌ای قوی برای سخت‌تر کردن سیستم‌ها و شبکه‌ها در برابر نفوذهای احتمالی باشد. همچنین شامل توسعه و نمایش قابلیت‌های رسانه‌ای تهاجمی برای بازدارندگی دشمنان از انجام حملات رسانه‌ای با برجسته‌کردن پیامدهای بالقوه و هزینه‌هایی است که ممکن است با آن مواجه شوند. علاوه بر این، ابتکارات دیپلماتیک مانند ایجاد هنجارهای بین‌المللی و توافق‌نامه‌های رفتار مسئولانه در فضای رسانه‌ای با تقویت همکاری و بازدارندگی بازیگران بدخواه از طریق اقدامات و پیامدهای جمعی، نقش مهمی در بازدارندگی رسانه‌ای ایفا می‌کند.

#### ۵- ضرورت و اهمیت نظریه بازدارندگی رسانه‌ای

ضرورت و اهمیت تئوری بازدارندگی رسانه‌ای در توانایی آن برای رسیدگی به چشم‌انداز تهدید فزاینده در فضای رسانه‌ای و حفاظت از دارایی‌های حیاتی، زیرساخت‌ها و منافع امنیت ملی نهفته است. در این راستا ضرورت و اهمیت نظریه بازدارندگی رسانه‌ای شامل موارد ذیل است:

۵-۱- **مقابله با تهدیدات در حال تحول:** با افزایش اتکا به فناوری‌های دیجیتال و سیستم‌های به‌هم‌پیوسته، تهدید حملات رسانه‌ای رایج‌تر و پیچیده‌تر شده است. تئوری بازدارندگی رسانه‌ای چارچوبی برای درک و مقابله با این تهدیدات در حال تحول با بازدارندگی دشمنان از درگیر شدن در فعالیت‌های رسانه‌ای مخرب فراهم می‌کند.

۵-۲- **حفاظت از دارایی‌های حیاتی:** زیرساخت‌های حیاتی، از جمله شبکه‌های برق، سیستم‌های مالی و امکانات مراقبت‌های بهداشتی، به شدت به شبکه‌ها و فناوری‌های دیجیتال متکی هستند. تئوری بازدارندگی رسانه‌ای بر اهمیت حفاظت از این دارایی‌های حیاتی در برابر تهدیدات رسانه‌ای با ایجاد اقدامات بازدارنده و تحمیل هزینه‌بر مهاجمان بالقوه تأکید می‌کند.

۵-۳- **ارتقای ثبات در فضای مجازی:** فضای مجازی ذاتاً پویا و پیچیده است و بازیگران مختلفی از جمله نهادهای دولتی و غیردولتی در آن فعالیت می‌کنند. تئوری بازدارندگی رسانه‌ای با جلوگیری از رفتار تهاجمی و ایجاد هنجارهای رفتار مسئولانه به ارتقای ثبات در فضای رسانه‌ای کمک می‌کند. نظریه بازدارندگی رسانه‌ای با بازدارندگی بازیگران مخرب از درگیر شدن در فعالیت‌های مخرب یا مخرب رسانه‌ای، به حفظ محیط دیجیتال امن‌تر و ایمن‌تر کمک می‌کند.

۵-۴- **ارتقای امنیت ملی:** از آنجایی که تهدیدات رسانه‌ای همچنان در حال تکامل هستند و خطرات

قابل توجهی برای امنیت ملی ایجاد می‌کنند، نمی‌توان اهمیت نظریه بازدارندگی رسانه‌ای در حفاظت از منافع کشورها را نادیده گرفت. با توسعه استراتژی‌ها و قابلیت‌های بازدارندگی قوی، دولت‌ها می‌توانند از زیرساخت‌های حیاتی محافظت کنند، در برابر حملات رسانه‌ای دفاع کنند و دشمنان بالقوه را از هدف قرار دادن دارایی‌ها و دستگاه‌هایشان بازدارند.

**۵-۵- درک تهدیدات پیچیده:** نظریه بازدارندگی رسانه‌ای چارچوبی مفهومی برای درک ماهیت پیچیده تهدیدات رسانه‌ای ارائه می‌کند. در دنیای به‌هم‌پیوسته امروزی، دشمنان می‌توانند از آسیب‌پذیری‌های سیستم‌های دیجیتال برای مختل کردن عملیات، سرقت اطلاعات حساس یا ایجاد آسیب فیزیکی سوءاستفاده کنند. با تجزیه و تحلیل انگیزه‌ها، قابلیت‌ها و تاکتیک‌های دشمنان بالقوه، نظریه بازدارندگی رسانه‌ای به سیاست‌گذاران و متخصصان امنیت رسانه‌ای کمک می‌کند تا استراتژی‌های مؤثری برای جلوگیری از حملات رسانه‌ای توسعه دهند.

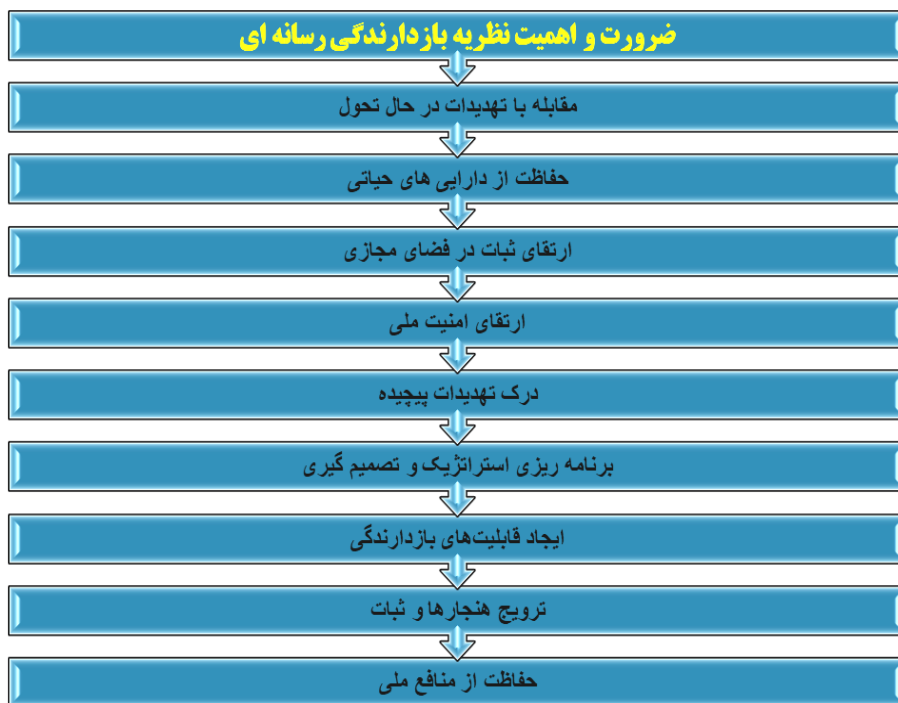
**۶-۵- برنامه‌ریزی استراتژیک و تصمیم‌گیری:** نظریه بازدارندگی رسانه‌ای به برنامه‌ریزی استراتژیک و فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطوح سازمانی و ملی اطلاع می‌دهد. این به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا خطرات ناشی از تهدیدات رسانه‌ای را ارزیابی کنند، دارایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های کلیدی را شناسایی کنند و منابع را به‌طور مؤثر برای تقویت دفاع رسانه‌ای تخصیص دهند. با اتخاذ رویکردی فعالانه برای بازدارندگی رسانه‌ای، سازمان‌ها و دولت‌ها می‌توانند سرمایه‌گذاری در اقدامات امنیت رسانه‌ای را که بیشترین ارزش بازدارندگی را به همراه دارد، اولویت‌بندی کنند.

**۷-۵- ایجاد قابلیت‌های بازدارندگی:** تئوری بازدارندگی رسانه‌ای بر اهمیت ایجاد قابلیت‌های بازدارندگی در حوزه‌های مختلف از جمله امنیت رسانه‌ای، اطلاعات، دیپلماسی و اجرای قانون تأکید می‌کند. بازدارندگی رسانه‌ای مؤثر مستلزم رویکردی جامع است که اقدامات دفاعی (مانند امنیت شبکه و رمزگذاری) را با قابلیت‌های تهاجمی (مانند عملیات رسانه‌ای، اقدامات متقابل) و تلاش‌های دیپلماتیک (مانند همکاری بین‌المللی، سیگنال‌دهی بازدارنده) ترکیب کند. با یکپارچه‌سازی این قابلیت‌ها، نهادها می‌توانند توانایی خود را برای بازدارندگی مؤثر تهدیدات رسانه‌ای افزایش دهند.

**۸-۵- ترویج هنجارها و ثبات:** نظریه بازدارندگی رسانه‌ای به ارتقای هنجارهای رفتار و ثبات در فضای رسانه‌ای کمک می‌کند. بازدارندگی رسانه‌ای با ایجاد انتظارات روشن برای رفتار مسئولانه و پیامدهای رفتار مخرب، به شکل‌دهی رفتار بازیگران دولتی و غیردولتی در حوزه دیجیتال کمک می‌کند. تئوری بازدارندگی رسانه‌ای از طریق تعامل دیپلماتیک، توافق‌های چندجانبه و اقدامات اعتمادساز، همکاری بین

کشورها را تقویت می‌کند و خطر تشدید درگیری در فضای رسانه‌ای را کاهش می‌دهد.

۵-۹- **حفاظت از منافع ملی:** در هسته خود، نظریه بازدارندگی رسانه‌ای در مورد حفاظت از منافع ملی و حفاظت از دارایی‌های حیاتی در برابر تهدیدات رسانه‌ای است. بازدارندگی رسانه‌ای چه دفاع از شبکه‌های نظامی، تأمین امنیت دستگاه‌های مالی یا حفاظت از زیرساخت‌ها باشد، نقشی حیاتی در حفظ امنیت، ثبات و رفاه کشورها ایفا می‌کند. با بازدارندگی دشمنان از هدف قرار دادن منافع حیاتی، نظریه بازدارندگی رسانه‌ای به حفظ مزیت استراتژیک و محافظت از رفاه شهروندان کمک می‌کند.



جدول شماره ۱: ضرورت و اهمیت نظریه بازدارندگی رسانه‌ای

## ۶- نقاط قوت و ضعف نظریه بازدارندگی رسانه‌ای

نظریه بازدارندگی رسانه‌ای معتقد است که پوشش رسانه‌ای جرائم می‌تواند مجرمان بالقوه را از ارتکاب اعمال مشابه به دلیل ترس از عواقب منفی مانند نظارت عمومی، عواقب قانونی یا انگ اجتماعی بازدارد (Chermak, 1995). این نظریه نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان نوعی کنترل اجتماعی غیررسمی با تأثیرگذاری بر ادراک افراد از خطرات مرتبط با رفتار مجرمانه عمل کنند (Chermak & Bailey, 2008).

نقاط قوت تئوری بازدارندگی رسانه شامل پتانسیل آن برای افزایش آگاهی در مورد عواقب اعمال مجرمانه و بازدارندگی افراد از درگیر شدن در رفتار انحرافی است (Chermak, 1995). علاوه بر این، پوشش رسانه‌ای می‌تواند بحث‌های عمومی در مورد جرم و عدالت را تسهیل کند و منجر به افزایش هوشیاری عمومی و فشار برای سازمان‌های مجری قانون برای رسیدگی موثر به جرم شود (Chermak & Bailey, 2008). تئوری بازدارندگی رسانه‌ای نشان می‌دهد که تهدید به تلافی یا مجازات در حوزه رسانه‌ای می‌تواند دشمنان را از درگیر شدن در فعالیت‌های رسانه‌ای مخرب بازدارد. این نظریه فرض می‌کند که دولت‌ها می‌توانند با ایجاد تهدیدات معتبر از اقدامات تبیهی، مانند تحریم‌های اقتصادی، انزوای دیپلماتیک، یا ضد حملات رسانه‌ای، از حملات رسانه‌ای جلوگیری کنند. نقاط قوت تئوری بازدارندگی رسانه‌ای شامل شناخت آن از اهمیت ایجاد راهبردهای بازدارنده واضح در مواجهه با تهدیدات رسانه‌ای در حال افزایش است. با استفاده از اصول تئوری بازدارندگی در حوزه رسانه‌ای، سیاست‌گذاران به‌طور بالقوه می‌توانند دشمنان را از درگیر شدن در تهاجم رسانه‌ای منصرف کنند و در نتیجه امنیت و ثبات رسانه‌ای بین‌المللی را افزایش دهند.

باین‌حال، تئوری بازدارندگی رسانه دارای چندین نقطه ضعف است. یکی از محدودیت‌ها، پتانسیل پوشش رسانه‌ای پرشور یا جانبدارانه برای تحریف برداشتها از جرم و پیامدهای آن است که منجر به ترس‌های اغراق‌آمیز یا دیدگاه‌های نادرست درباره اثربخشی استراتژی‌های بازدارنده می‌شود (Surette, 1998). علاوه بر این، برخی تحقیقات نشان می‌دهد که پوشش رسانه‌ای ممکن است اثرات بازدارندگی محدودی بر انواع خاصی از مجرمان داشته باشد، به‌ویژه آن‌هایی که به‌جای پیامدهای بلندمدت تحت تأثیر پاداش‌های فوری هستند (Chermak & Bailey, 2008). یکی دیگر از محدودیت‌ها دشواری نسبت دادن دقیق حملات رسانه‌ای به بازیگران خاص است که می‌تواند اعتبار و اثربخشی تهدیدات بازدارندگی را تضعیف کند. علاوه بر این، تکامل سریع قابلیت‌های رسانه‌ای و ماهیت نامتقارن درگیری‌های رسانه‌ای چالش‌هایی را برای استراتژی‌های بازدارندگی سستی ایجاد می‌کند، زیرا دشمنان ممکن است از تاکتیک‌های غیرمعارف برای دور زدن اقدامات بازدارنده استفاده کنند (2009.libicki:213).

## ۷- نظریه‌های بازدارندگی رسانه‌ای



مدل شماره ۳: نظریه‌های بازدارندگی رسانه‌ای

۷-۱- بازدارندگی با انکار<sup>۱</sup>:

این نظریه بر تقویت دفاع و انعطاف‌پذیری برای دلسرد کردن دشمنان با نشان دادن اینکه حملات بی‌اثر یا پرهزینه خواهند بود، تأکید می‌کند (Libicki, 2009, pp. 55-77). بازدارندگی با انکار بر منصرف کردن مهاجمان بالقوه از طریق تقویت دفاع و افزایش انعطاف‌پذیری در فضای رسانه‌ای تمرکز دارد. اصل اساسی این است که به دشمنان نشان داده شود که تلاش‌های آن‌ها برای انجام حملات رسانه‌ای موفقیت‌آمیز بی‌اثر یا بسیار پرهزینه برای توجیه خواهد بود. این تئوری بر اقدامات پیشگیرانه با هدف تقویت زیرساخت امنیت رسانه‌ای، افزایش قابلیت‌های واکنش به حادثه و به حداقل رساندن آسیب‌پذیری‌ها در سیستم‌ها و شبکه‌ها تأکید دارد.

## ۷-۲- بازدارندگی با مجازات:

این نظریه بر تهدید تلافی‌جویانه یا اقدامات تنبیهی برای منصرف کردن دشمنان از انجام حملات رسانه‌ای تکیه دارد. بازدارندگی با مجازات نظریه‌ای است که بر تهدید تلافی‌جویانه یا اقدامات تنبیهی برای منصرف کردن دشمنان از درگیر شدن در حملات رسانه‌ای تکیه دارد. ماهیت این نظریه در ایجاد

<sup>1</sup> - Deterrence by Denial

پیامدهای واضح برای رفتار رسانه‌ای خصمانه نهفته است، در نتیجه مهاجمان بالقوه را از راه‌اندازی فعالیت‌های مخرب منع می‌کند. در زمینه روابط بین‌الملل و امنیت ملی، بازدارندگی با مجازات بر اهمیت برخورداری از قابلیت‌های تهاجمی معتبر و نشان‌دادن تمایل به مقابله به‌مثل در برابر تهاجم رسانه‌ای تأکید می‌کند. دولت‌ها با ایجاد یک موضع بازدارنده که نشان‌دهنده آمادگی برای پاسخگویی قاطع به حملات رسانه‌ای است، قصد دارند دشمنان را از شروع اقدامات خصمانه در فضای رسانه‌ای منصرف کنند.

### ۳-۷- بازدارندگی با هنجارها:

بازدارندگی با هنجارها حول استقرار و اجرای هنجارها و قواعد بین‌المللی حاکم بر رفتار قابل قبول در فضای مجازی است. این نظریه بر اهمیت شکل‌دهی انتظارات و تقویت همکاری بین دولت‌ها از طریق ترویج پایبندی به هنجارهای رفتاری مورد توافق تأکید می‌کند. در حوزه امنیت رسانه‌ای، هنجارها نقش مهمی در تعریف رفتار قابل قبول و اقدامات غیرقابل قبول یا نامشروع دارند. با پایبندی به هنجارهای تعیین‌شده، دولت‌ها می‌توانند تعهد خود را به رفتار مسئولانه در فضای رسانه‌ای نشان دهند و دشمنان احتمالی را از درگیر شدن در فعالیت‌های مخرب یا مخرب بازدارند.

### ۴-۷- بازدارندگی با اسناد:

انتساب به توانایی شناسایی دقیق عوامل حملات رسانه‌ای، با تهدید شناسایی و پاسخگویی به‌عنوان یک عامل بازدارنده اشاره دارد. بازدارندگی با اسناد، نظریه‌ای است که بر توانایی شناسایی دقیق عوامل حملات رسانه‌ای به‌عنوان ابزاری برای بازدارندگی دشمنان احتمالی تأکید دارد. ماهیت این نظریه در تهدید شناسایی و پاسخگو شدن برای اقدامات خود نهفته است، در نتیجه عوامل مخرب را از درگیر شدن در فعالیت‌های رسانه‌ای مضر منع می‌کند (Lindsay, 2013, pp. 120-145).

### ۸- بازدارندگی رسانه‌ای در ایالات متحده آمریکا و اروپا

در ایالات متحده، استراتژی‌های بازدارندگی رسانه‌ای شامل یک رویکرد چندوجهی است که شامل اجزای مختلف باهدف پیشگیری و کاهش تهدیدات رسانه‌ای است. این مؤلفه‌ها اغلب شامل قابلیت‌های انتساب قوی، ایجاد موقعیت‌های بازدارندگی معتبر، سرمایه‌گذاری در اقدامات انعطاف‌پذیری رسانه‌ای و تلاش‌های دیپلماتیک برای تقویت همکاری بین‌المللی در فضای رسانه‌ای است (Smith & Jones, 2021).

جونز و اسمیت استدلال می‌کنند که قابلیت‌های اسناد برای ایالات متحده برای شناسایی دقیق عوامل حملات رسانه‌ای ضروری است. بدون انتساب قابل اعتماد، پاسخگو نگه‌داشتن بازیگران بدخواه و

اجرای اقدامات بازدارنده موثر چالش برانگیز می‌شود. علاوه بر این، وضعیت‌های بازدارندگی معتبر، همان‌طور که توسط جانسون و براون (2019) تأکید شده است، شامل پیامدهای واضح برای تهاجم رسانه‌ای به دشمنان بالقوه است. ایالات متحده به ترکیبی از کانال‌های دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی و قابلیت‌های رسانه‌ای برای ایجاد تهدیدات بازدارنده معتبر متکی است. در حوزه بازدارندگی رسانه‌ای، ایالات متحده اقدامات مختلفی را باهدف بازدارندگی از فعالیت‌های مخرب رسانه‌ای و حفظ منافع امنیت ملی انجام داده است. این اقدامات شامل طیف وسیعی از استراتژی‌ها، از جمله سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های رسانه‌ای، تلاش‌های انتساب، موقعیت‌های بازدارندگی و ابتکارات دیپلماتیک است (Smith & Jones, 2021).

در اروپا، سیاست‌های مربوط به بازدارندگی رسانه‌ای برای مقابله با تهدیدات فزاینده در فضای رسانه‌ای، شامل استراتژی‌های مختلف برای جلوگیری از فعالیت‌های مخرب رسانه‌ای و افزایش امنیت رسانه‌ای، تکامل یافته است. این سیاست‌ها اغلب شامل ترکیبی از اقدامات نظارتی، سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های رسانه‌ای، همکاری بین‌المللی و تلاش‌های مقاوم‌سازی هستند (Brown & Schmidt, 2020). براون و اشمیت تلاش‌های اتحادیه اروپا (EU) برای ایجاد یک چارچوب نظارتی جامع برای امنیت رسانه‌ای را به‌عنوان سنگ بنای سیاست بازدارندگی رسانه‌ای آن برجسته می‌کنند. این چارچوب شامل دستورالعمل‌ها و مقرراتی با هدف افزایش انعطاف‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی، ترویج اشتراک‌گذاری اطلاعات بین کشورهای عضو و ایجاد مکانیسم‌های واکنش به حادثه است. علاوه بر این، کشورهای اروپایی به‌طور فزاینده‌ای در قابلیت‌های رسانه‌ای سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا موقعیت بازدارندگی خود را تقویت کنند. به گفته جانسون و مولر (2019)، کشورهایی مانند آلمان و فرانسه واحدهای رسانه‌ای تخصصی را در نیروهای مسلح و سازمان‌های اطلاعاتی خود برای شناسایی و پاسخگویی مؤثر به تهدیدات رسانه‌ای ایجاد کرده‌اند.

### پ) یافته‌های پژوهش

استراتژی‌های بازدارندگی رسانه‌ای طیفی از اقدامات باهدف جلوگیری و کاهش فعالیت‌های مخرب رسانه‌ای را در برمی‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران ضمن توجه به نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات موجود، بایستی راهبردهای معینی در خصوص بازدارندگی رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشته باشد. در این راستا راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی پیشنهاد داده می‌شود:

## ۱- راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی

۱-۱- اقدامات دفاعی: اقدامات دفاعی در بازدارندگی رسانه‌ای شامل انواع استراتژی‌ها و فناوری‌ها با هدف محافظت از شبکه‌ها، سیستم‌ها و داده‌ها در برابر تهدیدات رسانه‌ای است. این اقدامات برای کاهش خطر حملات رسانه‌ای و به حداقل رساندن تأثیر بالقوه بر سازمان‌ها و افراد ضروری است. اقدامات دفاعی شامل اجرای پروتکل‌های امنیت رسانه‌ای قوی، استفاده از سیستم‌های تشخیص نفوذ، استقرار فایروال‌ها و اجرای پروتکل‌های رمزگذاری است.

اقدامات دفاعی مؤثر شامل یک رویکرد چندلایه به امنیت رسانه‌ای است که شامل اقدامات پیشگیرانه و واکنشی است. اقدامات پیشگیرانه بر شناسایی فعالانه و رسیدگی به آسیب‌پذیری‌ها در زیرساخت شبکه و برنامه‌های نرم‌افزاری متمرکز است. این ممکن است شامل وصله نرم‌افزاری منظم، اسکن آسیب‌پذیری و مدیریت پیکربندی برای کاهش سطح حمله و تقویت وضعیت امنیتی کلی باشد. علاوه بر این، استراتژی‌های دفاعی اغلب شامل استقرار سیستم‌های تشخیص نفوذ و پیشگیری (IDPS) برای نظارت بر ترافیک شبکه و شناسایی فعالیت‌های مشکوک یا مخرب در زمان واقعی است. IDPS می‌تواند به شناسایی تلاش‌های دسترسی غیرمجاز، آلودگی‌های بدافزار و سایر حوادث امنیتی کمک کند و سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا به سرعت پاسخ دهند و آسیب‌های احتمالی را کاهش دهند.

رمزگذاری یکی دیگر از اقدامات دفاعی حیاتی است که از داده‌های حساس در برابر دسترسی یا رهگیری غیرمجاز محافظت می‌کند. با رمزگذاری داده‌ها هم در حال انتقال و هم در حالت استراحت، سازمان‌ها می‌توانند اطمینان حاصل کنند که حتی اگر مهاجمان به شبکه‌های خود دسترسی پیدا کنند، داده‌ها بدون کلید رمزگشایی غیرقابل خواندن و غیرقابل استفاده باقی می‌مانند. علاوه بر این، برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌کاربر از اجزای ضروری اقدامات دفاعی هستند، زیرا خطای انسانی یکی از مهم‌ترین خطرات امنیت رسانه‌ای است. آموزش کارکنان در مورد تهدیدهای رایج رسانه‌ای، کلاهبرداری‌های فیشینگ و بهترین شیوه‌ها برای محاسبات ایمن می‌تواند به جلوگیری از حوادث ناشی از خطای انسانی، مانند کلیک‌کردن بر روی پیوندهای مخرب یا افشای اطلاعات حساس کمک کند.

به‌طور خلاصه، اقدامات دفاعی با محافظت در برابر تهدیدات رسانه‌ای و به حداقل رساندن آسیب‌پذیری‌ها در زیرساخت‌ها و سیستم‌های شبکه، نقش مهمی در بازدارندگی رسانه‌ای ایفا می‌کند. یک رویکرد جامع به امنیت رسانه‌ای، شامل اقدامات پیشگیرانه، تشخیص نفوذ، رمزگذاری و آموزش کاربران، برای دفاع مؤثر در برابر حملات رسانه‌ای ضروری است.

۲-۱- **قابلیت‌های تهاجمی:** قابلیت‌های تهاجمی در بازدارندگی رسانه‌ای به استفاده از عملیات رسانه‌ای برای ایجاد اختلال، از کار انداختن یا تضعیف شبکه‌ها، سیستم‌ها یا قابلیت‌های دشمنان اشاره دارد. این قابلیت‌ها برای جلوگیری از مهاجمان احتمالی، مقابله به مثل در برابر تهدیدات رسانه‌ای یا خشی کردن پیشگیرانه حملات رسانه‌ای قریب‌الوقوع استفاده می‌شود. عملیات رسانه‌ای تهاجمی می‌تواند طیف وسیعی از فعالیت‌ها، از جمله جاسوسی رسانه‌ای، خرابکاری، یا مانورهای تهاجمی رسانه‌ای با هدف دستیابی به اهداف استراتژیک را در برگیرد.

یکی از جنبه‌های قابلیت‌های تهاجمی شامل جاسوسی رسانه‌ای است که مستلزم جمع‌آوری مخفیانه اطلاعات از شبکه‌ها و سیستم‌های دشمنان است. عملیات جاسوسی رسانه‌ای ممکن است سازمان‌های دولتی، سازمان‌های نظامی، پیمانکاران دفاعی یا سایر نهادهای موردعلاقه را برای جمع‌آوری اطلاعات ارزشمند در مورد قابلیت‌ها، اهداف یا آسیب‌پذیری‌های دشمنان هدف قرار دهند.

۳-۱- **وضعیت‌های بازدارندگی:** یکی دیگر از جنبه‌های قابلیت‌های تهاجمی، خرابکاری رسانه‌ای است که شامل اختلال یا تخریب عمدی شبکه‌ها، سیستم‌ها یا زیرساخت‌های دشمنان است. عملیات خرابکارانه ممکن است با هدف ایجاد اختلال در خدمات حیاتی، تضعیف قابلیت‌های نظامی، یا تضعیف ثبات اقتصادی یا سیاسی دشمنان انجام شود. چنین عملیاتی می‌تواند پیامدهای استراتژیک قابل توجهی داشته باشد و ممکن است در پاسخ به اقدامات خصمانه یا به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای بازدارندگی دشمنان از راه‌اندازی حملات رسانه‌ای به کار گرفته شود.

علاوه بر این، مانورهای رسانه‌ای تهاجمی شامل استفاده از قابلیت‌های رسانه‌ای تهاجمی برای دستیابی به اهداف تاکتیکی یا عملیاتی در فضای رسانه‌ای است. این ممکن است شامل راه‌اندازی حملات رسانه‌ای علیه سیستم‌های فرماندهی و کنترل دشمنان، اختلال در ارتباطات یا از کار انداختن زیرساخت‌های حیاتی باشد. مانورهای تهاجمی اغلب همراه با سایر اقدامات نظامی یا ژئوپلیتیکی برای دستیابی به مزیت استراتژیک یا جلوگیری از تهاجم در فضای رسانه‌ای به کار می‌روند.

توجه به این نکته ضروری است که استفاده از قابلیت‌های تهاجمی در بازدارندگی رسانه‌ای منوط به ملاحظات قانونی، اخلاقی و سیاسی است. عملیات رسانه‌ای تهاجمی باید به قوانین، هنجارها و مقررات بین‌المللی حاکم بر استفاده از زور در فضای رسانه‌ای پایبند باشد. علاوه بر این، نسبت حملات رسانه‌ای و پتانسیل پیامدهای ناخواسته باید هنگام استفاده از قابلیت‌های تهاجمی به‌عنوان بخشی از استراتژی بازدارندگی به‌دقت در نظر گرفته شود. به‌طور خلاصه، قابلیت‌های تهاجمی نقش

مهمی در بازدارندگی رسانه‌ای ایفا می‌کنند و به دولت‌ها و سازمان‌های نظامی ابزاری برای بازدارندگی، مقابله به مثل یا خشی‌سازی پیشگیرانه تهدیدات رسانه‌ای ایفا می‌کنند. باین حال، استفاده از عملیات رسانه‌ای تهاجمی باید به دقت کالبره شده و در استراتژی‌های بازدارندگی گسترده‌تر ادغام شود تا ضمن به حداقل رساندن خطرات و پیامدهای ناخواسته، به نتایج مطلوب دست یابد.

**۱-۴- تلاش‌های تاب‌آوری:** استراتژی‌های تاب‌آوری بر تقویت توانایی مقاومت در برابر حملات رسانه‌ای و بازیابی آن تمرکز دارند. این شامل توسعه طرح‌های واکنش به حادثه، سیستم‌های پشتیبان و بازیابی و تداوم پروتکل‌های عملیاتی برای به حداقل رساندن تأثیر حوادث رسانه‌ای است.

**۱-۵- ابتکارات همکاری بین‌المللی:** ابتکارات همکاری بین‌المللی با تسهیل همکاری بین کشورها، سازمان‌ها و ذینفعان برای مقابله مؤثر با تهدیدات رسانه‌ای مشترک، نقش مهمی در بازدارندگی رسانه‌ای ایفا می‌کند. این ابتکارات شامل تبادل اطلاعات تهدید، تمرین‌ها و شبیه‌سازی‌های مشترک، برنامه‌های ظرفیت‌سازی و ایجاد هنجارها و دستورالعمل‌ها برای رفتار مسئولانه در فضای رسانه‌ای است. یکی از جنبه‌های کلیدی ابتکارات همکاری بین‌المللی، اشتراک‌گذاری بهترین شیوه‌های اطلاعاتی تهدید و امنیت رسانه‌ای در میان نهادهای شرکت‌کننده است. با تبادل اطلاعات در مورد تهدیدات رسانه‌ای نوظهور، تکنیک‌های حمله و آسیب‌پذیری‌ها، کشورها و سازمان‌ها می‌توانند آگاهی موقعیتی خود را افزایش داده و دفاع از امنیت رسانه‌ای خود را تقویت کنند.

**۱-۶- تمرین‌ها و شبیه‌سازی:** علاوه بر این، ابتکارات همکاری بین‌المللی اغلب شامل تمرین‌ها و شبیه‌سازی‌های مشترک برای آزمایش و بهبود قابلیت‌های واکنش به حوادث رسانه‌ای است. با انجام حملات رسانه‌ای شبیه‌سازی‌شده و سناریوهای پاسخ، شرکت‌کنندگان می‌توانند شکاف‌ها را در آمادگی و مکانیسم‌های هماهنگی خود شناسایی کنند، رویه‌های واکنش به حادثه خود را اصلاح کنند و اعتماد و اطمینان را در توانایی خود برای همکاری مؤثر در طول یک بحران واقعی رسانه‌ای ایجاد کنند.

**۱-۷- برنامه‌های ظرفیت‌سازی:** برنامه‌های ظرفیت‌سازی یکی دیگر از اجزای مهم ابتکارات همکاری بین‌المللی است. هدف این برنامه‌ها ارتقای قابلیت‌های امنیت رسانه‌ای کشورها و سازمان‌های کمتر توسعه‌یافته با ارائه آموزش، کمک‌های فنی و منابع است. با توانمندسازی کشورها و سازمان‌ها برای دفاع بهتر در برابر تهدیدات رسانه‌ای، تلاش‌های ظرفیت‌سازی به انعطاف‌پذیری و ثبات امنیت رسانه‌ای جهانی کمک می‌کند.

**۱-۸- طرح‌های همکاری بین‌المللی:** طرح‌های همکاری بین‌المللی به دنبال ایجاد هنجارها، اصول و

قواعد رفتاری در فضای رسانه‌ای برای ارتقای ثبات و کاهش خطر درگیری است. تلاش‌هایی مانند گفت‌وگوهای دیپلماتیک، توافق‌های چندجانبه و کنفرانس‌های بین‌المللی باهدف ایجاد اجماع در مورد رفتار قابل قبول در فضای رسانه‌ای، ممانعت از فعالیت‌های مخرب و جلوگیری از رفتار غیرمسئولانه بازیگران دولتی و غیردولتی است. به‌طور خلاصه، طرح‌های همکاری بین‌المللی در بازدارندگی رسانه‌ای شامل تلاش‌های مشترک برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات تهدید، انجام تمرین‌های مشترک، ایجاد ظرفیت امنیت رسانه‌ای و ایجاد هنجارها و دستورالعمل‌هایی برای رفتار مسئولانه در فضای رسانه‌ای است. این ابتکارات با تقویت همکاری بین کشورها و ذی‌نفعان به تقویت انعطاف‌پذیری امنیت رسانه‌ای جهانی و ارتقای ثبات در فضای رسانه‌ای کمک می‌کند (فرهنگ، ۱۳۹۸: ۲۴۲).

## ۲- مدل مفهومی پژوهش



مدل شماره ۴: راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای ج.ا.ا.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال تدوین راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی بود. به همین خاطر روش بکار رفته در این مقاله، روش کیفی و از نوع تحلیل اسنادی است. بازدارندگی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای مدیریت بحران عمل کند. بازدارندگی رسانه‌ای به استفاده از استراتژی‌ها، سیاست‌ها و قابلیت‌های مختلف باهدف منصرف‌کردن دشمنان از درگیرشدن در فعالیت‌های مخرب رسانه‌ای از طریق تحمیل هزینه‌ها یا پیامدها بر آن‌ها اشاره دارد. در وهله نخست نظریه‌های حوزه بازدارندگی موردبررسی قرار گرفت. نظریه بازدارندگی به دو دسته بازدارندگی کلاسیک و بازدارندگی منطقی تقسیم می‌شود. مؤلفه‌ها و اصول نظریه بازدارندگی کلاسیک مواردی همچون بازدارندگی و تشدید، بازیگران منطقی، هزینه و فایده، تنبیه، وضوح و اعتبار، سریع و قطعی و شدت مجازات است. همچنین مؤلفه‌های اصلی نظریه بازدارندگی منطقی مواردی مانند تحلیل هزینه و فایده، تهدیدات معتبر، توانمندی، ارتباط، کنترل تشدید، مبنای عقلانیت، کاربرد نیرو، تهدید تلافی‌جویانه، اعتبار، استراتژی بازدارندگی، بازدارندگی هسته‌ای، شکست بازدارندگی می‌باشند.

در خصوص ضرورت و اهمیت نظریه بازدارندگی رسانه‌ای بایستی به مواردی همچون مقابله با تهدیدات در حال تحول، حفاظت از دارایی‌های حیاتی، ارتقای ثبات در فضای مجازی، ارتقای امنیت ملی، درک تهدیدات پیچیده، برنامه‌ریزی استراتژیک و تصمیم‌گیری، ایجاد قابلیت‌های بازدارندگی، ترویج هنجارها و ثبات، حفاظت از منافع ملی اشاره داشت. یکی از نقاط قوت تئوری بازدارندگی رسانه‌ای، پتانسیل آن برای افزایش آگاهی در مورد عواقب اعمال مجرمانه و بازدارندگی افراد از درگیرشدن در رفتار انحرافی است. از سوی دیگر یکی از نقاط ضعف نظریه بازدارندگی رسانه‌ای، دشواری نسبت دادن دقیق حملات رسانه‌ای به بازیگران خاص است که می‌تواند اعتبار و اثربخشی تهدیدات بازدارندگی را تضعیف کند. نظریه‌های بازدارندگی رسانه‌ای مواردی همچون بازدارندگی با انکار، بازدارندگی با مجازات، بازدارندگی با اسناد و بازدارندگی با هنجار است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران ضمن توجه به نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات موجود، بایستی راهبردهای معینی در خصوص بازدارندگی رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشته باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد انتظار می‌رود راهبردهای بازدارندگی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی مواردی همچون اقدامات دفاعی، قابلیت‌های تهاجمی، وضعیت‌های بازدارندگی، تلاش‌های تاب‌آوری، ابتکارات همکاری بین‌المللی، تمرین‌ها و شبیه‌سازی، برنامه

ظرفیت ساز، طرح‌های همکاری بین‌المللی باشد.

### فهرست منابع:

سام بند، میثم و همکاران (۱۳۹۹)، قدرت بازدارندگی رسانه‌ای تلویزیون و کاربست دفاعی آن؛ با تأکید بر توانمندسازی فردی، مجله سیاست دفاعی، سال بیستم و نهم، شماره ۱۱۳، صص ۵۳-۸۴.

رمضان زاده، مجتبی و مجید غیوری ثالث، علی محمد احمدوند، محسن آقایی، ابراهیم نظری فرخی (۱۳۹۹)، ارائه مدل مفهومی ارزیابی قدرت سایبری نیروهای مسلح با تأکید بر بعد بازدارندگی سایبری، فصلنامه مدیریت نظامی، سال بیستم، شماره ۲، صص ۶۱-۹۲.

فرهنگ، سجاد (۱۳۹۸)، بازدارندگی سایبری و اینترنتی، راهبردهای نوین در کسب اقتدار دفاعی و سیاسی کشور، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره اول (پیاپی ۵)، صص ۲۵۲-۲۳۲.

فلیک، اووه (۱۳۹۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

Bentham, J. (1789). Introduction to the Principles of Morals and Legislation.

Brodie, B. (1959). Strategy in the missile age. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Brown, A. & Schmidt, E. (2020). Cybersecurity Policies in the European Union. Journal of Cybersecurity, 6(1), 76-89.

Chermak, S. M. (1995). Victims in the news: Crime and the American news media. Westport, CT: Greenwood Publishing Group.

Chermak, S. M. & Bailey, F. Y. (2008). Media power and criminal justice: The impact of news media on crime and justice. New York, NY: NYU Press.

Davis, C. & Müller, J. (2017). Enhancing Cyber Resilience in Europe. European Journal of Cybersecurity, 3(2), 120-135.

Fearon, J. D. (1994). *Domestic Political Audiences and the Escalation of International Disputes*. American Political Science Review, 88(3), 577-592.

Jervis, R. (1978). Cooperation Under the Security Dilemma. World Politics, 30(2), 167-214.

Jones, A. & Smith, B. (2021). Cyber Deterrence Strategies: A Comprehensive Analysis. *Journal of Cybersecurity*, 7(1), 75-90.

Johnson, R. & Müller, K. (2019). Cyber Capabilities and Deterrence in Europe. *European Security*, 25(1), 90-105.

Libicki, M. C. (2009). Cyberdeterrence and cyberwar. RAND Corporation.

Morgan, P. M. (1983). Deterrence: A conceptual analysis. In *Deterrence: Concepts and Approaches* (pp. 3-16). London: Sage Publications.

Morgan, C. T. Bapat, N. & Kobayashi, Y. (2013). Threat and Implied Response Strategies in International Crises: A Rational Deterrence Perspective. *Journal of Conflict Resolution*, 57(2), 315-342.

Powell, R. (2006). War as a Commitment Problem. In R. Powell (Ed.), *The Strategy of Conflict* (pp. 101-124). Harvard University Press

Schelling, T. C. (1960). *The Strategy of Conflict*. Harvard University Press.

Surette, R. (1998). Media, crime, and criminal justice: Images, realities, and policies. Belmont, CA: Wadsworth Publishing.

Smith, A. & Wagner, L. (2018). International Cooperation in Cyber Deterrence: The European Perspective. *International Journal of Cybersecurity*, 4(2), 106-120.